

# یورش چکمه‌پوش‌های شاه به حرم امام‌رضا(ع)

**چرا واقعه ۲۹ آبان ۵۷ رانقطه عطف تاریخ انقلاب اسلامی در مشهد می‌دانند؟**

**جواد نوائیان رودسری** – حرم مطهر رضوی، دلیل شکل‌گیری و هویت شهر مشهد و نقطه‌نقل فعالیت‌ها و تحولات این شهر طی تاریخ ۱۲۰۰ ساله‌آن بوده‌است. حرمت حریم حرم و قداست مضجع منور امام‌رضا(ع)، باعث می‌شد حتی سفاک‌ترین حاکمان و متجاوزان، مانند مغولان، از تعرض به‌آن خودداری‌کنند و از عواقب چنین گستاخی‌آشکاری، بیمناک باشند. با این حال، در طول تاریخ به‌مواردی برمی‌خوریم که در آن، حرمت حرم نگه داشته نشده‌است و حکومت‌ها برای رسیدن به مطامع خود، قداست آن را نادیده گرفته و صحن و رواق‌های مطهرش را عرصه تاخت و تاز، چپاول و آدم‌کشی کرده‌اند؛ نمونه‌هایی از این تعرض‌ها را می‌توان در تاریخ معاصر ایران یافت. نمونه کمتر ذکر شده‌آن، مربوط به سال ۱۲۸۴. ش و حمله عوامل آصف‌الدوله شاهسون، حاکم وقت خراسان به حرم رضوی وزائران و مجاوران پناه گرفته در آن است که برخی از مورخان، از آن به‌عنوان عامل شکل‌گیری یادست کم‌شتاب دادن به نهضت مشروطیت یاد کرده‌اند. در دوره پهلوی اول نیز هجوم مأموران رژیم به مسجد گوهرشاد و اماکن متبر که به وقوع پیوست که پیامد‌های عیدیه‌ای برای رضاشاه و حکومت وی داشت؛ تا آن‌جا که تعدادی از صاحب‌نظران، این اتفاق را سر آغاز افول قدرت پهلوی اول، به رغم توانمندی‌های ظاهری و یکی از دلایل اصلی شادمانی مردم از سقوط حکومت وی می‌دانند. در جریان وقایع انقلاب اسلامی نیز حرم رضوی شاهد یکی دیگر از این هتاک‌ها بود. در ۲۹ آبان سال ۱۳۵۷، عوامل رژیم‌پهلوی، به‌بهانه بازداشت و سرکوب تظاهرکنندگانی که در حرم اجتماع کرده بودند، به صحن و رواق‌ها هجوم آوردند و جنایت بزرگی را رقم زدند؛ جنایتی که باید آن را سبب‌ساز سرعت گرفتن روند انقلاب اسلامی در مشهد و حتی ایران بدانیم.

■ **شتاب گرفتن مبارزات علیه رژیم پهلوی**

وقایع آبان سال ۱۳۵۷، در اوج‌گیری انقلاب اسلامی در مشهد، نقشی اساسی و محوری داشت؛ حتی می‌توان برخی از آن‌ها را در افزایش شتاب مبارزات و گسترش نفرت عمومی از رژیم‌پهلوی در سراسر ایران، مؤثر دانست. اعتصاب فرهنگیان در اوایل آبان، تجمع ورزشگاه تختی با سخنرانی رهبر انقلاب در ۱۶ آبان و در نهایت، حمله عوامل رژیم‌پهلوی به حرم مطهر امام رضا(ع) در ۲۹ آبان، در زمره مهم‌ترین رویدادهای تاریخ انقلاب مشهد طی این ماه‌است. در این بین، حمله مأموران به حرم مطهر، بیش از دیگر اتفاقات به گسترش اعتراضات و افزایش مخالفت‌ها با رژیم‌پهلوی انجامید و حتی برخی از کسانی‌را هم که تا پیش از آن، عملانقشی

در جریان انقلاب نداشتند، به واکنش و ادار کرد. باید توجه داشت که حمله به حرم مطهر، به یک‌باره اتفاقی نیفتاد و بر ایند اتفاقات چند روز گذشته‌آن بود. تقریباً از ۲۰ آبان ۱۳۵۷، شرایط در مشهد به شدت تغییر کرد و شهر، روزانه شاهد اعتراضات و راهپیمایی‌های گسترده از سوی اقشار مختلف بود. دوروز قبل از این واقعه، نظامیان رژیم‌پهلوی با خودروه‌ای زرهی وارد شهر شده‌بودند و حتی بیت‌آیت... العظمی شیرازی را

که محل اصلی تجمع معترضان و انقلابیون بود، به گلوله بستند و در آن واقعه، چند نفر به شهادت رسیدند و ده‌ها نفر زخمی شدند.

■ **۲۹ آبان ۵۷ فرا می‌رسد**

واکنش مردم به این اقدام، بسیار شدید بود و به همین دلیل، روز قبل از هجوم به حرم مطهر، مصادف با روز عید غدیر، تمام خیابان‌های منتهی به حرم توسط سربازان و

**رودسری** – کسانی که تاریخ‌نخوانده‌اماسریالمشهور وتاریخی سربداران، به کارگردانی محمدعلی نجفی با بازی ماندگارزندیه‌ادامین تاؤخرادر نقش «شیخ حسن جوری» دیده‌اند، احتمالاً اطلاعات تاریخی مختصری درباره قیام سربداران دارند؛ قیامی که از روستای باشتین و خروش حسین و حسن، پسران حمزه، در برابر ستم جهان‌سوز مغولان آغاز شد و برای نزدیک به نیم قرن، بخش‌های مهمی از خراسان را مستقل کرد. مرشد و رهبر دینی این قیام، شیخ حسن جوری بود، شاگردشیخ خلیفه‌مازندرانی که با الهام از معارف شیعه، سازمان‌دهی یک‌قیام گسترده را برعهده گرفت.

اعتقادات شیعی سربداران و تلاش آن‌ها برای ایجاد حکومتی بر اساس این عقاید که به نگارش کتاب‌های مشهوری مانند «لمعه دمشقیه»، توسط شهید اول و به درخواست خواجه علی مؤید، آخرین امیر حکومت سربداران انجامید، بدون تردید بر توجه آن‌ها به شهر مشهد، به عنوان مدفن حضرت ثامن‌الحجج(ع) تأثیر داشت؛ هم شیخ حسن جوری، به عنوان رهبر معنوی قیام و هم دیگر امرای سربداران، توجهی ویژه به مشهد داشتند و برای توسعه، تعمیر و بازسازی اماکن متبر که، اقدامات فراوانی انجام دادند؛ فعالیت‌هایی که می‌شود رد و نشان آن‌ها را در برخی آثار به‌جامانده از آن دوره، مانند کاشی‌های قدیمی حرم مطهر، مشاهده کرد.

■ **مشهد: محل تبلیغ و اختفای شیخ حسن جوری**
شیخ حسن جوری (در گذشته ۱۲ صفر سال ۷۴۲)، بعد از آغاز قیام سربداران و قبل از تأسیس رسمی حکومت توسط آنان، بارها به مشهد سفر و در حرم رضوی، مجلس درس برگزار کرد. برخی از این سفرها، البته به دلیل تحت تعقیب قرار داشتن از سوی مأموران علاءالدین محمد هندو (وزیر ارغون‌شاه مغول) انجام می‌شد. در آن زمان، مشهد در محدوده حکمرانی ارغون‌شاه قرار داشت. هر چند که شهر تقریباً هیچ وقت در معرض حمله مغولان قرار نگرفت اما می‌توان تصور کرد که روستاهای اطراف مانند تروغ (طروق)، تیل‌گرد (تلگرد)، امین‌آباد (روستایی که امروزه بنای راه‌آهن مشهد روی آن قرار دارد) و... گاه‌وبی‌گاه هدف هجوم و دستبرد سربازان متمرد مغول قرار می‌گرفت و در این هجوم‌ها، جان و مال

# یورش چکمه‌پوش‌های شاه به حرم امام‌رضا(ع)

نیروهای شهربانی مسدود شد و حتی برای عبور و مرور ساده‌هم، محدودیت‌هایی قائل شدند. همه این تحرکات نشان می‌داد که مقامات رژیم‌پهلوی، اولاً از شکل‌گیری اعتراضات جدید و گسترده‌تر از قبل، بیمناک بودند و ثانیاً، به شدت وا همه داشتند که حرم مطهر به محل تجمع و کانون اعتراضات آن‌هم در روزهای پرا التهاب آبان ۵۷، تبدیل شود. به هر حال، حرم امام‌رضا(ع) مکانی مقدس برای عالم تشیع و جهان اسلام بود و شکل گرفتن هر گونه تجمعی در آن، بازتاب گسترده‌ای در کشور و منطقه پیدا می‌کرد. صبح روز ۲۹ آبان ماه، فرمانداری نظامی مشهد در اعلامیه شماره ۳۰ خود، برگزاری هر نوع تجمع و راهپیمایی را ممنوع اعلام کرد. اما تمهیداتی که فرمانداری نظامی مشهد و مسئولان امنیتی رژیم‌پهلوی اندیشیده بودند، باعث التهاب بیشتر اوضاع شد.

■ **ورود مردم به حرم مطهر**

مردم در روز ۲۹ آبان، پس از مواجهه با نظامیان رژیم‌پهلوی و درگیری مختصر با آن‌ها، وارد حرم شدند و در صحن سقاخانه، اجتماعی عظیم از انقلابیون به وجود آمد که حضور زائران و مجاورانی که برای زیارت وارد حرم شده بودند، هر لحظه بر تعداد آن‌ها می‌افزود. در این شرایط، تعدادی از مأموران ساواک، با لباس‌خادمی حرم وارد جمعیت شدند و در صدد شناسایی لیدرهای اعتراض برآمدند. شناسایی یکی از این افراد و بازداشت او توسط مردم، عوامل رژیم‌پهلوی را با درماندگی بیشتری مواجه کرد و به همین دلیل، تصمیم گرفتند حرم را از اقامت جنون‌آمیز بزنند. طولی نکشید که نظامیان وارد حرم شدند. ورود آن‌ها با شلیک مداوم گلوله همراه بوده؛ در این حادثه جمع‌زبایدی زخمی شدند و تعدادی به شهادت رسیدند. با وجود خروج مردم از صحن و انتقال جمعیت به خارج از حرم رضوی، زیر فشار تیراندازی، فرماندهان نظامی دستور دادند که نیروهای نظامی رژیم وارد درو شه منوره شوند و در آن‌جا هم اقدام به تیراندازی کنند. در این درگیری‌ها، افزون بر اصابت گلوله به بخش‌هایی از ایوان طلای صحن سقاخانه، بخش‌هایی از گنبد رواق حاتم‌خانی و دیوارهای آن در ضلع شرقی ضریح مطهر امام‌رضا(ع) نیز هدف اصابت گلوله قرار گرفت و آسیب دید. همان‌طور که اشاره شد، این اقدام بازتاب گسترده‌ای در کشور یافت و اگر قیام مردم قدم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ را سر آغاز انقلاب اسلامی و اوج‌گیری آن بدانیم، بی‌شک حمله دژخیمان رژیم‌پهلوی به حرم مطهر، موج دوم اعتراضات و راهپیمایی‌ها را علیه این رژیم به راه انداخت و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، کار آن را ساخت.

**یک گزارش ناشنیده از پایتخت معنوی سربداران**

## شیخ حسن جوری و یارانش در مشهد



آرامگاه منسوب به شیخ حسن جوری واقع در روستای فرومد از توابع شاهرود

واموس مردم تاراج می‌شد. شیخ حسن جوری، مشهد را مکانی امن برای عبادت و اختفای دانست. عید... بن لطف...، مشهور به «حافظ ابرو»، در اثر تاریخی مشهورش، «زبدۃالتواریخ»، ضمن گزارش برخی سفرهای شیخ حسن جوری، از ورود وی به مشهد برای تبلیغ و دعوت مردم به قیام، سخن گفته است: «شیخ حسن... عازم عراق (منظور کوهپایه‌های شرقی زاگرس است نه کشور امروزی عراق) شد و مدت یک سال و نیم در آن سفر می‌ماند و به‌رجا که مقام می‌کرد، جمعی مرید و معتقد خدمتش می‌شدند. باز به خراسان معاودت (بازگشت) فرمود و در اوایل محرم سنه تسع و ثلاثین و سبع مائه (سال ۷۳۹ ق) عزیمت ماوراءالنهر کرد و تا بلخ و ترمذ رفت و از آن‌جا مر اجعت نمود، به هرات آمد و از آن‌جا به خواف و قهستان رفت و عزیمت کرمان کرد؛ فاما راه مخوف بود، نتوانست [برود] دیگر باره به مشهد مقدس رضوی – علیه التحیه و الراضوان – آمد [و به تبلیغ پرداخت].»

■ **پایتخت معنوی سربداران**

با غلبه سربداران و تشکیل حکومت آن‌ها، مشهد به مرکز فعالیت‌های دینی و در واقع پایتخت معنوی آن‌ها تبدیل شد؛ هر چند که از نظر سیاسی، در بیقی (سبزوار) مستقر بودند. این نکته‌ای است که کمتر در تاریخ به آن اشاره شده اما به‌گواه برخی متون تاریخی و نوشته سفرنامه‌نویسانی مانند ابن بطوطه که در همان دوران به مشهد سفر کردند، این شهر مرکز استقرار رهبری دینی و معنوی سربداران بود. این جهانگرد مرام‌کشی،



**سند ۱۲۰۰ ساله**

**فرازی از فیلم «محمد رسول...!» (ص)**

**ترجمه: نوائیان** – یکی از فرازهای جذاب فیلم سینمایی «محمد رسول...! (ص)» ساخته مجید مجیدی، مربوط به مراسم نام‌گذاری پیامبر اسلام(ص) وزمانی است که عبدالمطلب، آن‌حضرت را در آغوش می‌گیرد و وارد کعبه می‌شود. گزارش ورود عبدالمطلب به همراه خاتم‌المرسلین(ص) به کعبه، در منابع تاریخی، به شکل‌های گوناگون ذکر شده که یکی از قدیمی‌ترین آن‌ها مربوط به کتاب «طبقات الکبری»، اثر ارزشمند محمد بن سعد بن منیع بغدادی (در گذشته سال ۲۳۰ ق) است. این اثر حدود ۱۲۰۰ سال قبل به رشته تحریر در آمد. در جلد نخست این کتاب، صفحه ۸۲ (چاپ دارالکتاب العلمیه بیروت)، ابن‌سعد، ماجرای ورود عبدالمطلب و نوه گرامی‌اش را به‌خانه کعبه، به نقل از استادش محمد بن عمر واقدی و او به‌سندر او یان خود، چنین نقل کرده‌است: «چون آمنه دختر وهب، رسول خدا را به دنیا آورد، شخصی از نزد عبدالمطلب فرستاد تا وی را به این‌واقعه فرخنده، بشارت دهد. آن بشیر، زمانی بر عبدالمطلب وارد شد که وی به همراه تنی چند از فرزندان و اقوامش، در حجر اسماعیل نشستہ بود. بشیر پیام را به‌وی رساند و عبدالمطلب با شنیدن این خبر، به غایت مسرور شد، برخاست و به همراه آن جمع، به خانه آمنه رفت و بر عروس گرامی‌اش وارد شد. آمنه، آن‌چرا که هنگام ولادت آن مولود خجسته به وقوع پیوسته بود، به پدر شوهرش عرضه داشت و از رویایی که دیده و مطالبی که به وی گفته شده بود، سخن به میان آورد. عبدالمطلب، بعد از شنیدن کلام آمنه، آن نوزاد گرامی را در آغوش کشید [و با خود به مسجد الحرام آورد]. آن‌گاه وارد کعبه شد و در آن ایستاد و به نیایش پرداخت و به دلیل عطای آن موهبت الهی، به درگاه ایزد مَنَّان شکر گزاری کرد.»

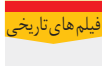
**پژوهشی مهم**

**در تاریخ اندیشه دینی صدر اسلام**

د کتر مهدی مجتهدی

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی

نخستین بار با فانس، اسلام‌پژوه معاصر آلمانی که امروز نخستین سالروز درگذشت اوست، به واسطه تصحیح‌وی از «مسائل الإمامة» آشنا شدم؛ کتابی کهن درباره اندیشه‌های دینی و فرق اسلامی دوره متقدم با داده‌های منحصر به فرد. بعدها مقالات و آثار این پژوهشگر برجسته آلمانی بیشتر توجه مرا به خود جلب کرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، کتاب‌وی با عنوان «کلام و جامعه در سده‌های دوم و سوم هجری» در شش جلد بود؛ کتابی که ششمین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران خود کرد. تا آن‌جا که می‌دانم، چهار جلد این کتاب به انگلیسی، دو جلد به عربی و جلد نخست به روسی ترجمه و منتشر شده‌است. ترجمه سه جلد آن به فارسی در اختیار ماست و امید است تا یک سال آینده، سه جلد بعدی نیز از سوی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب قم منتشر شود. «کلام و جامعه در سده‌های دوم و سوم هجری» به الهیات‌مسلمانان در سده‌های دوم و سوم پرداخته و نویسنده، تقریباً یک تنه تمام آن را طی حدود ۱۰ سال، به انجام رسانده و برای نگارش آن از بیش از پنج هزار منبع استفاده کرده‌است! فانس کار را بر اساس پنج منطقه جهان اسلام، یعنی شام، مصر، عراق، حجاز و حوزه شرق ایران پیش برده و جریان‌های فکری رایج را با تکیه بر نگاه تاریخی، بررسی کرده‌است. او در این کتاب به عقلانی بودن کلام اسلامی توجه دارد و به خوبی آن را نشان می‌دهد. برای من به عنوان پژوهشگر تاریخ شیعه، آن‌چه مورد توجه به نظر می‌رسد، بخش‌های مربوط به ایران و شیعه در این کتاب است. در جلد نخست، شیعه در کوفه و در جلد دوم، شیعه در بصره بررسی می‌شود و در جلد سوم، باتمرکزروی بغداد، به‌طور مشخص و از همه مهم‌تر دوران امام‌رضا علیه‌السلام را مورد توجه قرار می‌دهد. داده‌های این اثر در باره تاریخ جریان‌های فکری در ایران و به‌طور مشخص خراسان، بسیار ارزشمند است. ناگفته‌پیداست که این اثر برای مخاطبان متخصص تدوین شده‌و اگر چپا کاستی‌هایی، به‌ویژه در مطالعات شیعی همراه است، اما برای تکمیل این حوزه از مطالعات شیعی بسیار راهگشاست و برای علاقه‌مندان تاریخ فکر در جهان اسلام، این کتاب منبعی ناگزیر محسوب می‌شود. تقریباً در هر صفحه آن، نکته مهم و ایده ارزشمندی برای کاوشگران وجود دارد. به‌نظرم این کتاب می‌تواند سر آغاز خوبی برای مطالعات تاریخ اجتماعی قرون نخستین اسلامی هم باشد زیرا فانس در این پژوهش از سبک زندگی، شغل، طبقه اجتماعی، روابط دوستانه و دیگر ویژگی‌های متکلمان غافل نبوده‌است. این استاد پیشین دانشگاه توپینگن، به‌نسلی از اسلام‌شناسان تعلق داشت که بسیار بر عربی مسلط و با تاریخ اسلام آشنا بودند و به منابع کلاسیک و قدیمی عربی-اسلامی مراجعه می‌کردند. فانس در ۲۰ نوامبر ۲۰۲۱ مصادف با ۲۹ آبان ۱۴۰۰ در ۸۷ سالگی درگذشت.



فیلم‌های تاریخی

سینمایی «محمد رسول...! (ص)»

مجیدی، مربوط به مراسم نام‌گذاری پیامبر اسلام(ص)

وزمانی است که عبدالمطلب، آن‌حضرت را در آغوش می‌گیرد و وارد

کعبه می‌شود. گزارش ورود عبدالمطلب به همراه

خاتم‌المرسلین(ص) به کعبه، در منابع تاریخی، به شکل‌های گوناگون

ذکر شده که یکی از قدیمی‌ترین آن‌ها مربوط به کتاب

«طبقات الکبری»، اثر ارزشمند محمد بن سعد بن منیع بغدادی

(در گذشته سال ۲۳۰ ق) است. این اثر حدود ۱۲۰۰ سال قبل به

رشته تحریر در آمد. در جلد نخست این کتاب، صفحه ۸۲ (چاپ

دارالکتاب العلمیه بیروت)، ابن‌سعد، ماجرای ورود عبدالمطلب و نوه

گرامی‌اش را به‌خانه کعبه، به نقل از استادش محمد بن عمر واقدی و

او به‌سندر او یان خود، چنین نقل کرده‌است: «چون آمنه دختر وهب،

رسول خدا را به دنیا آورد، شخصی از نزد عبدالمطلب فرستاد تا وی را

به این‌واقعه فرخنده، بشارت دهد. آن بشیر، زمانی بر عبدالمطلب وارد

شد که وی به همراه تنی چند از فرزندان و اقوامش، در حجر اسماعیل

نشستہ بود. بشیر پیام را به‌وی رساند و عبدالمطلب با شنیدن این خبر،

به غایت مسرور شد، برخاست و به همراه آن جمع، به خانه آمنه رفت و

بر عروس گرامی‌اش وارد شد. آمنه، آن‌چرا که هنگام ولادت آن مولود

خجسته به وقوع پیوسته بود، به پدر شوهرش عرضه داشت و از رویایی

که دیده و مطالبی که به وی گفته شده بود، سخن به میان آورد.

عبدالمطلب، بعد از شنیدن کلام آمنه، آن نوزاد گرامی را در آغوش

کشید [و با خود به مسجد الحرام آورد]. آن‌گاه وارد کعبه شد و در آن

ایستاد و به نیایش پرداخت و به دلیل عطای آن موهبت الهی، به درگاه

ایزد مَنَّان شکر گزاری کرد.»

یادداشت تاریخی

نخستین بار با فانس، اسلام‌پژوه معاصر آلمانی که امروز

نخستین سالروز درگذشت اوست، به واسطه تصحیح‌وی

از «مسائل الإمامة» آشنا شدم؛ کتابی کهن درباره

اندیشه‌های دینی و فرق اسلامی دوره متقدم با داده‌های منحصر به فرد.

بعدها مقالات و آثار این پژوهشگر برجسته آلمانی بیشتر توجه مرا به خود

جلب کرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، کتاب‌وی با عنوان «کلام و جامعه در

سده‌های دوم و سوم هجری» در شش جلد بود؛ کتابی که ششمین جایزه

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران خود کرد. تا آن‌جا که می‌دانم، چهار

جلد این کتاب به انگلیسی، دو جلد به عربی و جلد نخست به روسی ترجمه

و منتشر شده‌است. ترجمه سه جلد آن به فارسی در اختیار ماست و امید

است تا یک سال آینده، سه جلد بعدی نیز از سوی انتشارات دانشگاه ادیان

و مذاهب قم منتشر شود. «کلام و جامعه در سده‌های دوم و سوم هجری»

به الهیات‌مسلمانان در سده‌های دوم و سوم پرداخته و نویسنده، تقریباً یک

تنه تمام آن را طی حدود ۱۰ سال، به انجام رسانده و برای نگارش آن از

بیش از پنج هزار منبع استفاده کرده‌است! فانس کار را بر اساس پنج

منطقه جهان اسلام، یعنی شام، مصر، عراق، حجاز و حوزه شرق ایران پیش

برده و جریان‌های فکری رایج را با تکیه بر نگاه تاریخی، بررسی کرده‌است.

او در این کتاب به عقلانی بودن کلام اسلامی توجه دارد و به خوبی آن را

نشان می‌دهد. برای من به عنوان پژوهشگر تاریخ شیعه، آن‌چه مورد توجه

به نظر می‌رسد، بخش‌های مربوط به ایران و شیعه در این کتاب است. در

جلد نخست، شیعه در کوفه و در جلد دوم، شیعه در بصره بررسی می‌شود

و در جلد سوم، باتمرکزروی بغداد، به‌طور مشخص و از همه مهم‌تر دوران

امام‌رضا علیه‌السلام را مورد توجه قرار می‌دهد. داده‌های این اثر در باره

تاریخ جریان‌های فکری در ایران و به‌طور مشخص خراسان، بسیار

ارزشمند است. ناگفته‌پیداست که این اثر برای مخاطبان متخصص تدوین

شده‌و اگر چپا کاستی‌هایی، به‌ویژه در مطالعات شیعی همراه است، اما

برای تکمیل این حوزه از مطالعات شیعی بسیار راهگشاست و برای

علاقه‌مندان تاریخ فکر در جهان اسلام، این کتاب منبعی ناگزیر محسوب

می‌شود. تقریباً در هر صفحه آن، نکته مهم و ایده ارزشمندی برای

کاوشگران وجود دارد. به‌نظرم این کتاب می‌تواند سر آغاز خوبی برای

مطالعات تاریخ اجتماعی قرون نخستین اسلامی هم باشد زیرا فانس در

این پژوهش از سبک زندگی، شغل، طبقه اجتماعی، روابط دوستانه و دیگر

ویژگی‌های متکلمان غافل نبوده‌است. این استاد پیشین دانشگاه

توپینگن، به‌نسلی از اسلام‌شناسان تعلق داشت که بسیار بر عربی مسلط

و با تاریخ اسلام آشنا بودند و به منابع کلاسیک و قدیمی عربی-اسلامی

مراجعه می‌کردند. فانس در ۲۰ نوامبر ۲۰۲۱ مصادف با ۲۹ آبان

۱۴۰۰ در ۸۷ سالگی درگذشت.